

بررسی اهمیت خط سیر باستانی فهرج - اسپس (نصرت آباد) در اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی با تکیه بر کاروانسرای (رباط) نویافته بیابان گرگ در حاشیه لوت جنوبی^(۱)

لیلا فاضل*، یعقوب محمدی فر**، اسماعیل همتی آزندریانی***، مسعود قمری****

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸)

(تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶)

چکیده

متون جغرافیای تاریخی قرون اولیه و میانه اسلامی از دو شهر فهرج و اسپس یا سنیج (نصرت آباد کنونی)، در ردیف شهرهای آبادان حاشیه کویر و در شرح مسیر کرمان به سیستان نام برده‌اند. در مطالعات باستان‌شناسی ناحیه منظر فرهنگی بم در نیمه نخست دهه ۹۰، مسیر باستانی فهرج به اسپس (نصرت آباد) بررسی شد. در ادامه مطالعات، بنای بیابان گرگ شناسایی شد. از پرسش‌های مطرح در این پژوهش، نخست شناخت اهمیت محور فهرج به اسپس (نصرت آباد) در اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی و سپس مطالعه کارکرد بنای بیابان گرگ و تاریخ ساخت آن است. پژوهش حاضر از نوع بنیادی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای است. در ابتدا معرفی بخشی از شاهراه باستانی فارس و کرمان به سیستان در ناحیه منظر فرهنگی بم، در راستای پاسخگویی به ابهامات تاریخی فراوان در حوزه تمدنی شرق و نیز فعالیت‌های اندک صورت گرفته جهت شناخت محورهای باستانی این ناحیه که از معیارهای ثبت منظر فرهنگی بم در فهرست آثار جهانی است، سپس معرفی، شناخت کاربری و دوره ساخت بنای بیابان گرگ به عنوان بنایی شاخص در میانه مسیر باستانی فهرج به اسپس، واقع در جنوب شرق ایران، که تا کنون هیچ‌گونه تحقیقی بر روی آن صورت نپذیرفته بود، از ضرورت‌ها و اهداف پژوهش بود. خط سیر مورد مطالعه از فهرج در حاشیه جنوبی دشت لوت (لوت زنگی احمد) آغاز شده و به موازات جاده ارتباطی کنونی به طول ۱۵۰ کیلومتر و طی ۴ تا ۵ منزل به اسپس (نصرت آباد) می‌رسد. آثار شناسایی شده بر خط سیر شامل؛ دوسکونتگاه وسیع، قسمت‌هایی از جاده سنگفرش باستانی، ده قلعه و کاروان سرا و دو مناره بود. تاریخ این آثار، بازه زمانی اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی است. این خط سیر در بازه زمانی آغاز اسلام تا پایان عصر سلجوقی حیات داشته و دارای اهمیت زیادی بوده است. این مسیر بخشی از شاهراه باستانی کرمان به سیستان و در نگاهی وسیع‌تر، بخشی از خط سیر باستانی فارس به سیستان (زرنگ) است. بنای بیابان گرگ از آثار شاخص در میانه مسیر بود. این بنا با نقشه‌ای هشت-ضلعی، هشت برج در گوشه‌ها و چهل حجره پیرامون حیاط مرکزی، کاروان سرا یا رباطی در میانه مسیر است. معرفی، تبیین کاربری و تاریخ ساخت بنای بیابان گرگ، ضمن کمک به شناخت اهمیت مسیر مورد مطالعه، مکمل تعیین‌کننده‌ای بر مجموعه شواهد معماری کاروان سراها و قلاع در دوره سلجوقی و حلقه پرکننده خلأ اطلاعات و اسناد فرهنگی-تاریخی در این دوره است. کلید واژه‌ها: فهرج، نصرت آباد (اسپس)، رباط (کاروان سرا) سلجوقی، بیابان گرگ، منظر فرهنگی بم.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

** استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

*** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

**** دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

مقدمه

راه‌ها، مهم‌ترین عامل تحول جوامع، پیشرفت ملت‌ها و تبادل فرهنگ‌ها تلقی می‌گردد که نه تنها وسیله‌ای برای جابه‌جایی کالا نیستند، بلکه عاملی برای جابه‌جایی فرهنگی و در خلال آن، تولید ثروت محسوب می‌شوند که خود رشد تمدن‌ها را به دنبال دارد. توسعه راه‌ها، بازتابی از افزایش پویایی نقاط است که خود به مرور زمان به کنش متقابل وسیع‌تری منجر می‌گردد (محمودی، ۱۳۶۲: ۹۶).

وجود شهرها و مراکز تمدنی‌ای که از بین رفته یا همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند، وجود ایل راه‌ها، عوامل طبیعی و جغرافیایی، شرایط خاص زندگی انسان چون مسائل اعتقادی و یا نیاز به ارتباط با اقوام و ملل دیگر و آثار باستانی موجود، از عوامل مهم در شناخت راه‌های ارتباط باستانی مناطق محسوب می‌گردد. حوزه تمدنی شرق ایران که نواحی جنوب شرقی را نیز شامل می‌شود، مناطقی با ابهامات تاریخی فراوان است. در این نواحی، خطوط ارتباطی مهمی جریان داشته است. ناحیه منظر فرهنگی بم (۲) در انتهای شرقی کرمان (شکل ۱) در حاشیه جنوبی دشت لوت، منطقه‌ای کلیدی بر سر راه آسیا به هند و افغانستان و حلقه ارتباطی ایران جنوبی و جنوب غربی با نواحی شرقی است (مستوفی، ۱۳۴۸: ۵۴ و ۶۰؛ طرح جامع مدیریت اثر میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن، ۱۳۸۶: ۴۱). بر همین اساس اولین معیار ثبت این منظر در فهرست میراث جهانی، قرارگیری آن در محل تلاقی راه‌های مهم بازرگانی در ضلع جنوبی فلات ایران است (همان: ۱۱).

بازتابی از این اهمیت سوق الجیشی در وصیت‌نامه شاه شجاع (۷۷۷ق) به سلطان احمد دیده می‌شود. وی در این وصیت‌نامه، بم را مهم‌ترین شهر ایالت کرمان می‌داند که سرحد هند، خراسان و سیستان و کابل است و رونق آن باعث رونق سرزمین کرمان می‌شود (اسعدپور بهزادی، ۱۳۷۰: ۳۶۷). فهرج و اسپ، دو مکان آباد بر این خط سیر در حاشیه جنوبی لوت هستند. فهرج در انتهای شرقی سرزمین کرمان و ناحیه منظر فرهنگی بم واقع است. از سوی شرق با سیستان همسایه و از سوی شمال در مجاورت خراسان جنوبی قرار دارد. در سوی غرب آن، شهرستان‌های بم و نرماشیر واقع‌اند و در جنوب و در پیوستگی با ریگان با بلوچستان همجوار است و از طریق شکاف‌های کوهستانی جنوب ریگان با نواحی رودبار و جیرفت و هرمز ارتباط می‌یابد. فهرج با اسامی فهرج، پهره، بهره، فهره، پهرج، پوره، پهرک و باهر در متون کهن ضبط است (فاضل، ۱۳۹۹: ۳۹). راه‌های ارتباطی جنوب به شمال و شرق به غرب، همگی به ناچار از فهرج عبور می‌نمود و اما اسپ (نصرت‌آباد کنونی) از شمال به دشت لوت و زابل، از شرق به مرز افغانستان، از جنوب با میرجاوه و خاش و از غرب با فهرج کرمان همجوار است (رزما، ۱۳۳۲: ۴۱۰).

نصرت‌آباد با نام‌های کهن اسپ، اسپید، سبج، سنج، اصفه، سانیک و سانج، اسپید، سپه و سفید در حاشیه شرقی‌تر از لوت جنوبی در مرز سیستان و کرمان اغلب جزء سیستان و گاهی ضمیمه کرمان است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۲۱). وزیری، نام قدیمش را اسپکه می‌نویسد (وزیری، ۱۳۵۲: ۱۰۵). اسپ در گذرگاه شرق ایران و بعد از تنگه موسوم به دربند سیستان، به لحاظ جغرافیای طبیعی، جایگاهی معتبر در ارتباط دنیای باستان و نقطه آبادان حاشیه کویر بعد از فهرج با عبور از بیابان بود که همه راه‌های کویر از باختر به خاور از آن می‌گذشت (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۴۹). هر دو این نقاط بر خط سیر کنونی و باستانی کرمان و بم به سیستان واقع‌اند. بنای بیابان گرگ، در میانه مسیر فهرج به اسپ و در میان آثاری از دوره ساسانی تا پایان قرن ۶ هجری قرار دارد (شکل ۱). شناخت اهمیت این خط سیر و مطالعه عملکرد و تاریخ ساخت بنای بیابان گرگ، از سوالات مورد بحث این پژوهش است.

پرسش‌های پژوهش

- اهمیت خط سیر باستانی فهرج به نصرت‌آباد چگونه است؟
- کاربری بنای موسوم به بنای بیابان گرگ در مسیر فهرج به نصرت‌آباد (اسپی) چیست؟
- بنای بیابان گرگ مربوط به کدام دوره تاریخی است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی سعی بر آن دارد که به پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده در این پرونده بپردازد. گردآوری اطلاعات به دو شیوه میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای است.

پیشینه پژوهش

بیشترین مطالعات با هدف شناخت جغرافیای دشت لوت را گروه جغرافیایی دانشگاه تهران به سرپرستی احمد مستوفی انجام داده‌اند. نتایج این مطالعات در دو جلد منتشر شده است (ر.ک: مستوفی، ۱۳۴۸ و ۱۳۵۱). در این مطالعات، محورهای باستانی دشت لوت و به تبع آن نواحی حاشیه دشت لوت با دقت تمام مطالعه شده است. پس از آن در راستای مطالعات باستان‌شناسی منظر فرهنگی بم در نیمه نخست دهه ۹۰، حدود هفتاد اثر تاریخی در فهرج شناسایی شد. تعداد انگشت‌شماری از آثار نیز پس از آن و در جریان بازدیدها و استعلامات منطقه ثبت شد. از جمله این آثار، رباط فهرج یا بنای بیابان گرگ (۳) است (ر.ک: فاضل، ۱۳۹۴؛ فاضل، ۱۳۹۹: ۱۰۲). برای نخستین بار مستوفی در راستای مطالعات جغرافیایی دشت لوت، این بنا را دیده و از آن با عنوان قلعه سلجوقی لنگ بروت، نام می‌برد. وی توصیفی بیشتر

از بنا به دست نمی‌دهد. اما به نظر می‌رسد که مقصود وی، همان بنای بیابان گرگ بوده باشد (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۳).

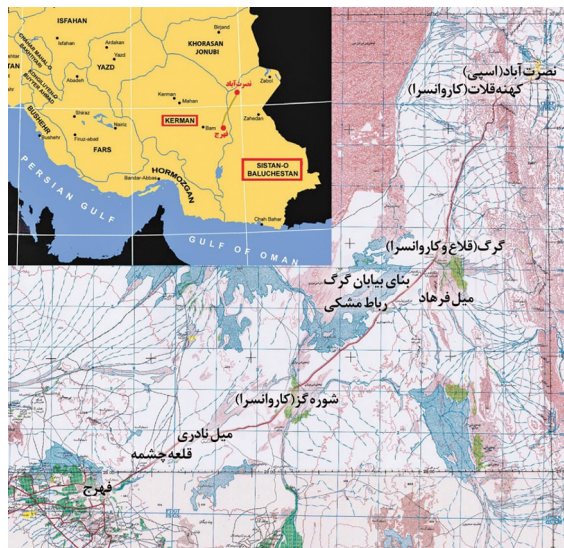
موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های زیست‌محیطی

مسیر فهرج به نصرت‌آباد به طول ۱۵۰ کیلومتر از فهرج به سمت شمال شرق امتداد می‌یابد (شکل ۱). این مسیر به لحاظ طبیعی از حاشیه جنوبی بیابان لوت موسوم به لوت زنگی احمد عبور می‌کند که دارای آب و هوای گرم و خشک، بارندگی نامنظم و اندک، اختلاف شدید دمای شب و روز، وزش بادهای تند و طوفان‌های شن است. بخش عمده‌ای از مسیر را سطوح هموار در برمی‌گیرد. این مسیر در قسمت‌های انتهایی کوهستانی است، به گونه‌ای که پیرامون نصرت‌آباد (اسپی) را کوه‌هایی فراگرفته‌اند. فهرج در یک سوی مسیر، در انتهای شرقی کرمان و در ۲۳۰ کیلومتری از مرکز استان در ارتفاع ۶۷۰ متری از سطح آب‌های آزاد بر دشت موسوم به نرماشیر گسترده است. علی‌رغم ظاهر گرم و خشک این بیابان، دشت نرماشیر دارای منابع غنی آب‌های زیرزمینی و دشتی حاصلخیز است که تا ۱۵۰ سال قبل، دارای ۷۰۰ رشته قنات دایر بوده است (وزیری، ۱۳۵۲: ۱۰۴).

رودخانه فهرج از کوه‌های جبال بارز در جنوب‌غربی بم سرچشمه می‌گیرد و با ایجاد دره‌ای عمیق از شمال فهرج گذشته، به لوت زنگی احمد فرو می‌رود. بخش ابتدایی جاده مورد مطالعه از حاشیه رودخانه فهرج عبور می‌کند. دره رودخانه فهرج تا چند دهه قبل، مسکن عشایری از منطقه بود. مابین فهرج و دره اسپی (نصرت‌آباد)، بیابانی موسوم به بیابان گرگ گسترده است. مرکز اصلی ناحیه گرگ امروزه گرگ‌آباد است که سر راه مزارآباد واقع شده و آب فراوان از رود ماهی دارد (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۶۳). اصلی‌ترین منابع تأمین آب منطقه، آب‌های زیرزمینی است که به صورت قنات مورد استفاده بوده است. پوشش گیاهی منطقه در گذشته، جنگل‌های انبوه با درختانی متنوع، به‌ویژه گز و کهور بوده که به دلیل استفاده نادرست به پوششی تنک تبدیل شده است (اسعدپور بهزادی، ۱۳۷۲: ۴۷). در اطراف روستای گرگ در میانه مسیر نصرت‌آباد، پوشش جنگلی گز و طاغ و زیستگاه جانوران وحشی همچون آهو، شغال، کفتار و گرگ و پرندگان کبک و تیهو و جلوه‌ای از حیات طبیعی در منطقه گرم و خشک سیستان است (افشار سیستانی، ۱۳۹۰: ۷۱۰). نصرت‌آباد (اسپی) در سوی دیگر مسیر، در شمال‌غرب سیستان و ۱۰۰ کیلومتری از زاهدان و در ارتفاع ۱۱۲۰ متر از سطح آب‌های آزاد واقع شده و منطقه‌ای نیمه‌کوهستانی است. آب آن از قنات، چشمه‌ها و رودخانه است.

بنای بیابان گرگ در بیابان گرگ که بخشی از لوت زنگی احمد است، مابین فهرج و نصرت‌آباد (اسپی) در ۶۶ کیلومتری شمال شرق فهرج، ۳۰ کیلومتر میل نادری و ۴ کیلومتری شمال

جاده آسفالتی فهرج-اسپی در مختصات ۱۷° ۵۷.۰' ۲۸' عرض شمالی، ۹۷° ۵۳.۰' ۵۸' طول شرقی و ارتفاع ۶۷۰ متر از سطح آب‌های آزاد قرار دارد و مانند نگیی بر بستر ریگزار می‌درخشد. پوشش گیاهی اطراف بنا، بوت‌ه‌زاری انبوه است. آب کاروان‌سرای (رباط) بیابان گرگ از دو کاریز تأمین می‌شد.



شکل ۱- موقعیت دو استان کرمان و سیستان و بلوچستان نسبت به یکدیگر و نمایش مسیر فهرج - نصرت‌آباد (نقشه ایران) و موقعیت فهرج و نصرت‌آباد نسبت به یکدیگر (نقشه ۱: ۲۵۰۰۰۰ فهرج و نصرت‌آباد، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۸-۱۳۷۹)

خط سیر باستانی فهرج - نصرت‌آباد (اسپی) از منظر متون جغرافیای تاریخی قرون اولیه و میانه اسلامی

نقاط فعال بر این خط‌سیر فهرج، گرگ و سپس سبج یا اسپی (نصرت‌آباد) است. اصطخری در ذکر نواحی کرمان می‌آورد: «آنچه به طرف بیابان است، به ناحیت دریا، نرماشیر و فهرج و سنج‌اند» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۳). از بم به بیابان نیز راهی است، بدین ترتیب که از بم تا نرماشیر، یک منزل و از آنجا تا فهرج بر کناره بیابان یک منزل (همان: ۱۶۹). ابن حوقل، فهرج و سبج را جزء نواحی بم می‌آورد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۳-۷۴). اصطخری در صورت (نقشه) مغازه (بیابان) میان فارس و خراسان، شهرهای آباد و مهم حاشیه بیابان و طریق سجستان (راه سیستان) را ترسیم می‌کند. در این نقشه، «پهرج» آخرین نقطه آباد گوشه بیابان و به صورت چهارراهی نشان داده شده است که راهی از آنجا (از طریق سبج) به زرنج امتداد می‌یابد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۵۷۱). بعد از فهرج، تنها یک نقطه آباد دیگر رسم شده که همان سبج است که راهی از آن به زرنج و راه دیگر از آنجا به قریه ده سلم می‌رسد (شکل ۲). اول راه سجستان از نرماشیر است که می‌رود تا سبج و از سبج تا سیستان هفت منزل است (همان: ۲۵۰).

راه کرمان به آراخوزیا، بخش جنوب شرقی کویر مرکزی را شامل می‌شود. در سال ۵۲۲-۵۲۱ ق.م، اهمیت سوق الجیشی بسیار زیاد این مسیر به اثبات رسیده بود. حمله جسورانه سپاه فرستاده «وه یزداته» شورشگر یائوتیه‌ای از پارس به حوضه رود کابل، از راه جنوب شرقی صورت گرفت (توین‌بی، ۱۳۷۸: ۸۰). یارشاطر درباره راه‌های سیستان در این دوره می‌نویسد: «هر کس با خارج شدن از زرنگ، سه راه در پیش داشت. اگر در جهت جنوب‌غرب راه می‌افتاد، با گذشتن از بیابان از طریق اسپید (اسپی، سنیک) به پهرگ (فهرج) می‌رسید. در جهت شمال‌شرق، جاده بامیان قرار داشت. این راه از طریق خاش (کوساته، کاسته) به سوی رود خاش پیش می‌رفت...» (یارشاطر، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

سایکس درباره توقف سپاه اسکندر در پورا می‌نویسد که دو روستای بلوچستان هم‌اکنون به این اسم نامیده می‌شوند. یکی در حوالی بمپور و دیگری در حوالی نرماشیر است. وی هر دو مکان را با احتمالی برابر، محل توقف شصت‌روزه سپاه اسکندر می‌داند. فهرج واقع در نرماشیر، نخستین مکانی است که کراتوس پس از ۱۸۰ میل راهپیمایی به آنجا رسیده است (سایکس، ۱۳۶۵: ۲۰۵ و ۲۰۴). وجود محوطه‌های وسیع از دوره هخامنشی و اشکانی چون قلعه دختر ماهیدشت (فاضل، ۱۳۹۹: ۱۱۶-۱۴۲) و محوطه غلورآباد (همان: ۱۸۵)، در فاصله‌ای اندک از ساحل جنوبی رودخانه فهرج و گورستان جنوب‌شرق کهور منزل در طول این خط سیر (همان: ۹-۹۷)، دلیلی دیگر بر تأیید مطالب یادشده است. در متون تاریخی قرون متأخر اسلامی نیز بارها از این مسیر در شرح لشکرکشی‌ها یاد شده است که ذکر همگی آنها در این بحث نمی‌گنجد و تنها به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

در تاریخ شاهی قراختیایان کرمان (قرن هفتم هجری) در شرح حمله نکودریان سیستان به فارس و کرمان آمده است: «از طرف سجستان متوجه آسفه گشتند و بر صوب ریقان به بم درآمدند» (تاریخ شاهی قراختیایان کرمان، ۲۵۳۵: ۲۰۵). مؤلف احیاء الملوک (۱۰۲۷ ه.ق) نیز از این راه به نام راه آسفه یاد نموده و در شرح سفر دهم می‌نویسد: «سنگ‌ریزه بیابان گرگ را یاقوت و مرجان می‌شمردم و غبار راه آسفه را سرمه می‌دانستم. در نخلستان پهره نحل قامت مطلوب می‌دیدم» (ملک شاه حسین سیستانی، ۱۳۴۴: ۴۷۸). علی‌رغم فعالیت‌های عمرانی گنجعلی‌خان در کرمان، نه محمدابراهیم و نه هیچ مسافر دیگری، اشاره‌ای به وجود بناهای نو در راه نمی‌کنند. ممکن است قلاع خرابه فهرج و آب‌انبارهای بین اسپ و فهرج که هم‌اکنون نابود شده‌اند، از دوره صفوی و ساخته‌های گنجعلی‌خان باشند. از اوایل سده دهم هجری، گروهی از غارتگران جدید (اوزبکان و افغانه) در دشت لوت شکل گرفتند که تا گذشته‌ای نه‌چندان دور، این مکان را مورد تاخت‌وتاز و ناامنی قرار دادند و این مسیر، رونق گذشته خود را بازیافت (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۲۸، ۱۳۱ و ۳۳۸).

کوچک است» (خبیسی، ۱۳۸۶: ۳۴۱). میل قارودی که اکنون به میل نادر موسوم است و بقایای میل فرهاد، دو منار ذکرشده فوق در مسیر فهرج به گرگ و اسپ است. گرگ، نام بسیار قدیمی و شاید مربوط به قبل از اسلام باشد. در زمان سلجوقیان، این اسم مفهومی وسیع داشته و به تمام بیابان بین فهرج تا در بند اسپ (نصرت‌آباد) اطلاق می‌گردیده است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۲).

ابن خردادبه به وجود میلی در آنجا اشاره می‌کند (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۵). مرکز اصلی ناحیه گرگ امروزه گرگ‌آباد است که سر راه مزارآب واقع شده و آب فراوان از رود ماهی دارد (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۶۳). سیلاب‌های رود ماهی به رود گرگ متصل می‌شود و دره ماهی، یک معبر طبیعی بسیار قدیمی به سمت بمپور، ایرانشهر و خاش است (مستوفی، ۱۳۴۸: ۵۲). اقوام بلوچ ساکن در این بیابان، این مزرعه را به گرگین‌بن میلاد منتسب می‌دانند و دلیل وجه تسمیه این بیابان را به گرگ چنین می‌پندارند. فرمانفرما، نصرت‌آباد (اسپی) را در منتهی الیه خاک نرماشیر می‌نویسد: «از فهرج نرماشیر تا مکان مذکور، پنجاه و دو فرسنگ است. این خط، سه منزل پانزده شانزده فرسخی است» (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

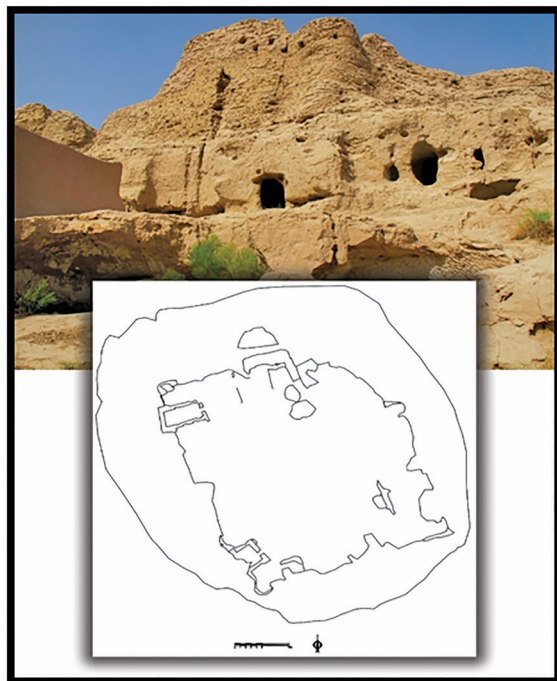
راه‌های مکران، دنباله راه‌های کویر است که به هندوستان منتهی می‌شود. این راه از فهرج شروع شده و ابن خردادبه، چهارده منزل آن را بیان می‌کند (مشکور، ۱۳۷۱: ۶۴۳). راه‌های معروفی که فلفل هند را به سواحل مدیترانه حمل می‌نمود، در تاریخ به نام راه فلفل یا جاده ادویه نامیده می‌شوند و یکی از شاهراه‌های هند لاجرم از کرمان عبور می‌کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۲۰۳، ۳۱۶ و ۳۹۲). اگر مطلب یادشده را در تعریف جاده ادویه بپذیریم، آنگاه مسیر فوق، بخشی از جاده ادویه است که با مسیرهای منتهی به هندوستان ارتباط می‌یابد. راه‌هایی که از بصره و عراق شروع می‌شد، با گذشتن از خوزستان و فارس به سیرجان آمده و از آنجا به بم، سیستان، مکران و خراسان و سمرقند و هند امتداد می‌یافت (کریمیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۰). این مسیر، همان راه تاریخی ادویه به نظر می‌رسد (نوربخش و دیگران، ۱۳۳۵: ۸۲).

علاوه بر اهمیت این خط‌سیر در دوره ساسانی و قرون اولیه و میانه اسلامی، مطالبی دیگر نیز به نقش آن در طول سایر دوره‌های تاریخی اشاره دارد. مستوفی معتقد است که از میان راه‌های منشعب‌شده از فهرج، شاهراه کرمان به سیستان، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که تا کنون نیز ارتباط ایالات مرکزی با مشرق و جنوب شرق از راه معروف بم-زاهدان است. ارتباط ایران داخلی با سند و هند، ارتباط امپراتور هخامنشی با ولایت شرقی، سفر فرضی کوروش به سند بر فرض درست بودن آن و نبردهای اردشیر با سگزیان و رفتن وی به سیستان، از همین مسیر بوده است. این گذرگاه، همان معبر تاریخی است که در بند سیستان یا به غلط در بند نادر ثبت شده است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۰).

شواهد باستان‌شناختی مسیر باستانی فهرج - اسپه (نصرت‌آباد)

آثار موجود بر این خط سیر از غرب به شرق عبارتند از:

۱- **قلعه فهرج:** در مختصات جغرافیایی ۶۸۳۳۹۲ و ۳۲۰۴۵۷۶، در حاشیه جنوبی رودخانه فهرج و روی صخره‌ای رسوبی (کلوت) و مکعب‌شکل با ارتفاع ۸ از سطح زمین‌های اطراف قرار دارد. این قلعه، بخش مرکزی یا حاکم‌نشین قلعه‌ای وسیع‌تر است که سایر بخش‌های آن از بین رفته است. مستوفی که در دهه ۴۰ از بنا بازدید نموده، آن را مکان شهر قدیم فهرج می‌داند که منابع جغرافیای تاریخی از آن یاد می‌کنند. نقشه قلعه، چهارگوش با ابعاد ۵۳×۴۴ متر، چهار برج در گوشه‌ها و برج‌هایی در حصار بوده است. در گوشه‌های ضلع جنوبی، بقایای دو برج مدور توخالی دیده می‌شود که روی پایه‌ای مکعب‌شکل اولیه ساخته شده‌اند. در دامنه صخره‌ای که قلعه بر آن قرار دارد، تعداد زیادی فضا در ابعاد و شکل‌های متفاوت کنده شده است. دریافت نقشه‌ای دقیق از فضاهای داخلی قلعه ممکن نیست. نقشه کلی بنا، دست‌کندها، بقایای سازه‌هایی از خشت‌های با ابعاد ۴۳ سانتی‌متر، آثار برج مکعبی شکل در گوشه جنوب‌شرقی و خندقی در پیرامون و سفالینه‌های پراکنده در سطح قلعه، انتساب بنا به دوره اشکانی و ساسانی را محتمل می‌سازد. خشت‌هایی با این ابعاد در ساخت بنای قلعه سنگ، در فاصله چندصد متری قلعه فهرج و مشرف به آن دیده می‌شود که کلایس، تاریخ آن را اشکانی می‌نویسد.

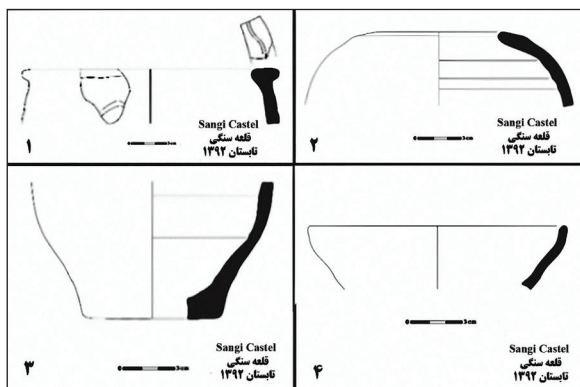


شکل ۳- نقشه قلعه فهرج و نمایی از حصار ضلع شرقی و فضاهای دستکند آن

۲- **قلعه سنگ:** در مختصات جغرافیایی ۳۲۰۵۸۴۷ و ۶۸۵۲۴۳، در شمال رودخانه فهرج، بر فراز صخره‌ای آذرین با ارتفاع ۱۷ متر از سطح زمین‌های اطراف جای دارد. بخش عمده قلعه از خشت‌های با ابعاد ۴۳×۴۳×۱۰ سانتی‌متر ساخته شده و از لاشه‌سنگ جهت صاف‌بندی استفاده نموده‌اند. در سطح بنا، بقایای سازه‌های اسلامی از خشت‌هایی با ابعاد ۲۳ سانتی‌متر دیده می‌شود. نقشه قلعه بر اساس توپوگرافی صخره تقریباً بیضی‌شکل بوده، مساحت قلعه ۳۰۰ مترمربع است. ضلع جنوبی قلعه، سالم‌ترین بخش باقی‌مانده از آن و شامل دیوار طویل خشتی با بقایای چند برج و تعدادی تیرکش است (شکل ۴). تاریخ سفالینه‌های پراکنده پیرامون قلعه، اشکانی تا اسلامی است (شکل ۵). این قلعه به همراه قلعه بزرگ فهرج، استحکامات شرق جلگه نرماشیر در حاشیه غربی لوت جنوبی را تشکیل می‌دهد. کلایس، این قلعه و سفالینه‌های آن را مربوط به دوره اشکانی می‌داند که تا قرون میانه اسلامی همچنان مورد استفاده بوده است (Kleiss, 1997: 455).



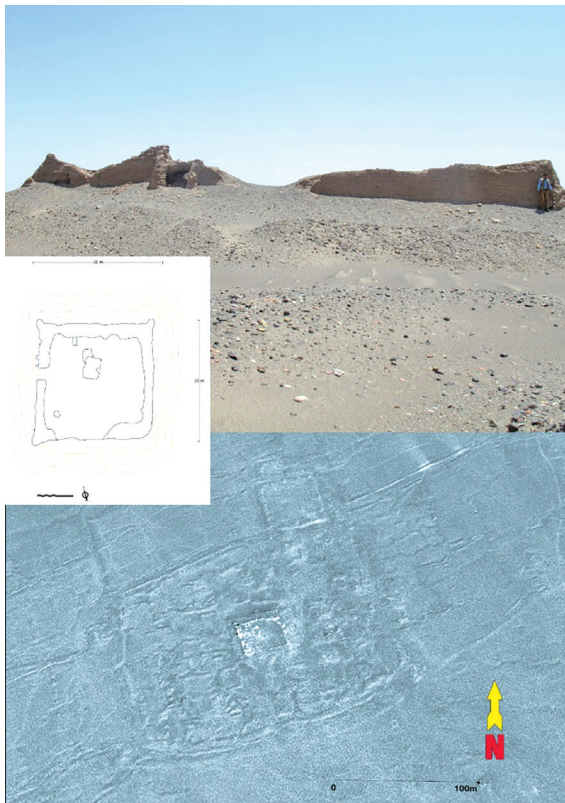
شکل ۴- الف: تصویر ماهواره‌ای از قلعه سنگ، ب: نمای ضلع جنوبی قلعه سنگ



شکل ۵- نمونه سفالینه‌های تاریخی قلعه سنگ

۳- **قلعه و محوطه شاه مردان:** در مختصات جغرافیایی ۳۲۰۶۳۲۹ و ۶۸۸۳۳۶، به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع، بقایای اندک از قلعه‌ای ساسانی و قرون اولیه و میانه اسلامی در

جنوب رودخانه فهرج است. محوطه پیرامون آن با وسعت ۲۲۰ هکتار پوشیده از قطعات سفالینه‌های بدون لعاب ساسانی، سفالینه‌های بدون لعاب با تزئینات قالبی و قطعات لعاب‌دار به‌ویژه قطعات گلابه‌ای با نقاشی سفید بر زمینه قهوه‌ای‌ای است (شکل ۶). در طبقه‌بندی سفال‌های دوره اسلامی، سفال‌های لعاب گلی را اغلب متعلق به قرن سوم و چهارم هجری می‌دانند (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۶۱). نمونه‌های مشابه از سفالینه‌های لعاب گلی محوطه شاه مردان از شهر قدیم جیرفت یافت شده که بازه زمانی آن قرن ۱ تا ۵ هجری است (چوبک، ۱۳۹۱: ۹۱). نمونه‌هایی از گونه‌های سفالی مزبور از شهر کهن نرماشیر به دست آمده که مربوط به قرن ۳ تا ۶ هجری است (امیرحاجیلو و سقایی، ۱۳۹۷: ۲۵۱ تصویر ۳). همچنین قطعات سفالینه‌های لعاب گلی مربوط به قرن ۱ تا ۴ هجری در کنار سفالینه‌های ساسانی از حوضه رودخانه سیمره به دست آمده است (شریفی، ۱۳۹۸: ۶۳، تصویر ۴). قطعاتی با نقوش قالبی از تزئینات رایج در دوره سلجوقی است.



شکل ۷- تصویر ماهواره‌ای محوطه کهور منزل، تصویر نمای ضلع غربی و نقشه بخش مرکزی محوطه (فاضل، ۱۳۹۹: ۸۸)

در گوشه شمال غربی و متصل به ضلع غربی حصار پیرامونی، بقایای قلعه یا کاروان‌سرای قرار دارد. نقشه قلعه، مربع‌شکل با ابعاد هر ضلع، ۶۰ متر است. چهار برج مدور در هر گوشه بنا و سه تا چهار برج مدور در میان هر ضلع قرار دارد. از جزئیات معماری این بنا، اطلاعاتی در دست نیست. پیرامون قلعه کهور منزل، آثار جوی‌های باستانی دیده می‌شود. آجرهایی نازک و مربع‌شکل با ابعاد ۲۲×۲۲×۴ در اطراف پراکنده شده‌اند. این ابعاد از آجر معمولاً در معماری دوره آل بویه کاربرد داشته‌اند. تاریخ سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه از دوره ساسانی تا قرون اولیه اسلامی و دوره سلجوقی، متغیر است (شکل ۸).

شکل ۶- ردیف بالا، سمت چپ: نمونه سفالینه بدون لعاب با نقش زده؛ سمت راست: نمونه سفالینه با نقاشی زیر لعاب شفاف (گلابه‌ای) در سطح محوطه شاه مردان. ردیف پایین، سمت چپ: درپوشی با لعاب گلی و نقوش سفید مرواریدی بر زمینه قهوه‌ای، سمت راست: بدنه‌ای با نقوش قالبی



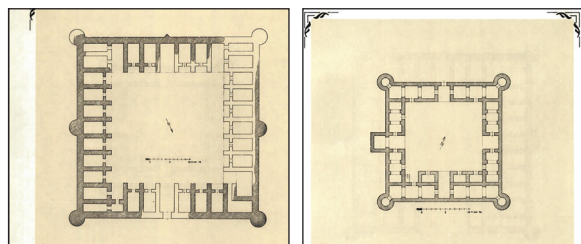
شکل ۶- ردیف بالا، سمت چپ: نمونه سفالینه بدون لعاب با نقش زده؛ سمت راست: نمونه سفالینه با نقاشی زیر لعاب شفاف (گلابه‌ای) در سطح محوطه شاه مردان. ردیف پایین، سمت چپ: درپوشی با لعاب گلی و نقوش سفید مرواریدی بر زمینه قهوه‌ای، سمت راست: بدنه‌ای با نقوش قالبی

۴- قلعه کهور منزل: در مختصات جغرافیایی ۳۲۰۸۱۸۹ و ۶۹۲۹۴۹ قرار دارد. بنای موسوم به قلعه کهور منزل در مرکز قلعه‌ای وسیع‌تر قرار دارد و ارگ یا حاکم‌نشین مجموعه است. وسعت قلعه، ۴۶۰۰۰ مترمربع است. پیرامون قلعه را حصار تقریباً مستطیل‌شکل با ابعاد ۲۳۰×۲۰۰ متر فراگرفته است. پهنای این حصار بر اساس تصاویر هوایی، هشت متر است. با این حال پراکنش مواد فرهنگی بیش از این بوده و وسعتی در حدود صد هکتار را در برمی‌گیرد. قلعه یا همان ارگ کهور منزل،

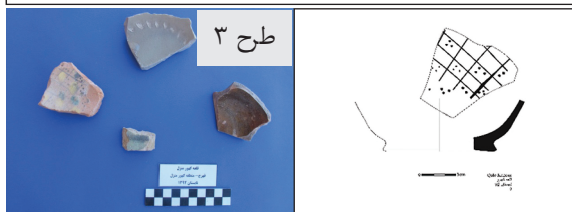
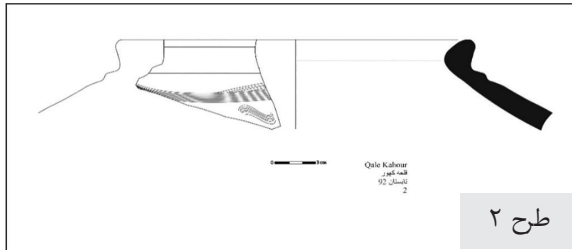
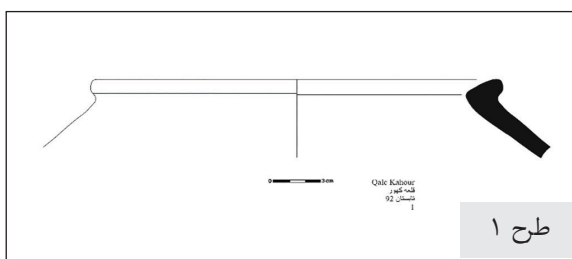


شکل ۹- الف: نمایش خط سیر جاده سنگفرش فهرج- اسپی (نصرت آباد) (کرمان- سیستان) ب: بقایای جاده سنگفرش باستانی بین فهرج و اسپی به پهنای ۴ متر

۸- رباط یا کاروانسرای شورگز: در دشت شورگز، بنایی چهار گوش با چهار برج در چهار گوشه و اتاق‌هایی پیرامون حیاط است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰- سمت راست: نقشه رباط شورگز؛ سمت چپ: نقشه قلعه چشمه (کلایس و کیانی، ۱۳۷۳: ۳۵۳-۳۵۴)



شکل ۸- طرح ۱ و ۲: نمونه سفالینه‌های بدون لعاب، طرح ۳: سفالینه با لعاب پاشیده زرد و سبز و سیاه از محوطه کهور منزل

۵- قلعه چشمه: بنایی از قرن ۴ تا ۶ هجری است که تا قرون متأخر اسلامی همچنان مورد استفاده بوده است (شکل ۱۰). گزارش مستوفی از آن شامل بنای خشتی مستطیل-شکل با چهار برج در چهار گوشه و برج‌هایی در وسط دو ضلع است. در مقابل بنا، برجی منفرد قرار داشته است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۴).

۶- میل نادر: در مختصات جغرافیایی ۳۲۱۸۶۰۴ و ۷۰۹۳۶۶ قرار دارد. بنایی از آجر به ارتفاع ۲۰ متر و محیط قاعده آن ۱۴ متر و تزیینات هندسی در قسمت بالا، از ساخته‌های ملک قاورود سلجوقی در مسیر سیستان است که ذکر آن گذشت. سبک معماری میل نادر، رازی است که در دوره آل بویه، سلجوقیان و اتابکان رایج بوده است (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۱۴۴). مصالح ساخت میل، آجرهای قرمز رنگ با ابعاد ۳۰ و ضخامت ۶-۷ سانتی‌متر است. این میل تنها اثر باقی‌مانده از مجموعه‌ای منزلگاهی است.

۷- جاده سنگفرش باستانی: در مختصات جغرافیایی ۳۲۲۱۷۲۹ و ۷۲۱۹۱۲ قرار دارد. بعد از میل نادر، بقایای جاده سنگفرش باستانی، به طول ۱۵ کیلومتر قابل شناسایی است (شکل ۹). پهنای جاده، چهار متر است که با قلوه‌سنگ‌های قرمز و سیاه فرش شده است. قسمت‌هایی از این سنگفرش در محوطه کهور منزل همچنان باقی است که تاریخ سلجوقی این جاده را محتمل می‌سازد (۴). تاریخ احتمالی جاده که در منطبق بر خط سیر مورد مطالعه است نیز بر اساس آنچه در مبحث جغرافیای تاریخی گذشت، از دوره هخامنشی تا عصر حاضر متغیر است (فاضل و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۰؛ فاضل، ۱۳۹۹: ۵۶-۶۲).

۹- رباط یا کاروان‌سرای بیابان گرگ: در ادامه به

توصیف، تحلیل کاربری و گاه‌نگاری آن می‌پردازیم.
۱۰- بقایای میل فرهاد: در مختصات جغرافیایی ۳۲۳۹۴۰۳ و ۷۴۰۱۰۶ قرار دارد و به صورت تلی از آجر در حاشیه جاده کنونی دیده می‌شود. آجرهایی با ابعاد ۳۰ سانتی‌متر، مشابه آجرهای میل نادر در ساخت آن به کار رفته است. این بنا در امتداد میل نادر و از ساخته‌های ملک قاورود سلجوقی است.

۱۱- بقایای سه قلعه و کاروان‌سرای آبادی گرگ: در

مختصات جغرافیایی ۳۲۶۴۱۳۶ و ۷۶۴۰۷۷ و در میانه مسیر بیابان گرگ به اسپه (نصرت‌آباد) و ۳۰ کیلومتر بعد از کاروان‌سرای بیابان گرگ، آبادی گرگ قرار دارد. در این آبادی، سه بنا از دوره ساسانی تا عصر سلجوقی دیده می‌شود (شکل ۱۱).

بنای نخست آبادی گرگ: با ابعاد ۵۰×۵۰ متر دارای تعداد زیادی حجره در اطراف حیاط مرکزی است. تعداد حجره‌ها در اضلاع شمال غربی و جنوب شرقی هر کدام دوازده تا چهارده حجره به نظر می‌رسد. ابعاد حجره‌ها، ۷×۳ متر است. پوشش حجره‌ها، گهواره‌ای با چغد بیز است. حصار مجموعه دارای برج‌هایی در هر گوشه است. ورودی بنا در ضلع شرقی قرار دارد که احتمالاً دارای برج‌هایی در دو سو بوده است. این بنا، کاروان‌سرا یا رباطی از دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی است.

بنای دوم آبادی گرگ: به شکل مربع با ابعاد ۱۵ متر بوده که بخشی از آن را تخریب نموده‌اند و نقشه مشخص از آن دریافت نمی‌شود.

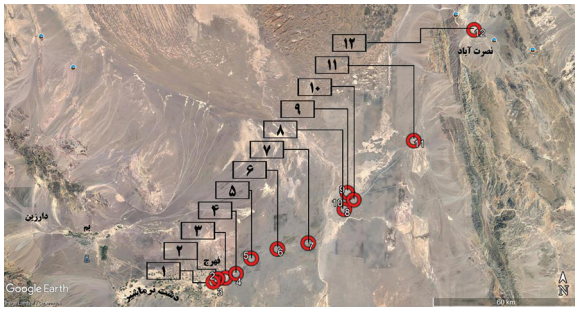
بنای سوم آبادی گرگ: دارای نقشه‌ای مربع است. ابعاد هر ضلع بنا، ۳۴ متر است. برج‌هایی مدور در گوشه بنا و در وسط اضلاع قرار دارد. این بنا، قلعه یا رباطی از اواخر دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی است (شکل ۱۱). در آبادی گرگ هم‌اکنون دو قنات دایر جاری است که نخلستان‌هایی وسیع را آبیاری می‌کند. به گفته اهالی از بیابان گرگ تا آبادی گرگ، هفتاد رشته قنات بایر کشیده شده است.

۱۲- کهنه قلات: در چهار کیلومتری غرب نصرت‌آباد،

کاروان‌سرا یا رباطی از دوره سلجوقی تا صفوی است.



شکل ۱۱- بقایای سه رباط یا قلعه در آبادی گرگ در مسیر فهرج- نصرت‌آباد (کرمان- سیستان)



شکل ۱۲- نمایش پراکندگی آثار باستانی در مسیر فهرج- نصرت‌آباد:

- ۱- قلعه خاکی فهرج
- ۲- قلعه سنگی
- ۳- قلعه و محوطه شاه‌مردان
- ۴- قلعه و محوطه کهور منزل
- ۵- قلعه چشمه
- ۶- میل نادری
- ۷- جاده سنگفرش باستانی
- ۸- رباط شورگز
- ۹- رباط یا کاروان‌سرای بیابان گرگ
- ۱۰- بقایای میل فرهاد
- ۱۱- بقایای کاروان‌سرا و قلاع گرگ
- ۱۲- نمایش پراکندگی آثار باستانی در مسیر فهرج- نصرت‌آباد:

کاروان‌سرای نصرت‌آباد

(کهنه‌قلات)

چنان‌که در ابتدا نیز گفته شد، از شواهد مهم باستان‌شناختی مسیر فهرج به اسپه و به عبارتی دیگر مسیر فارس و کرمان به سیستان، بنایی است هشت‌ضلعی که همچون نگینی بر صفحه بیابان گرگ خودنمایی می‌کند (شکل ۱۲). شناخت کاربری این بنا و تعیین تاریخ آن از پرسش‌های عمده این پژوهش است که در راستای پاسخگویی به آن ابتدا به توصیف بنا پرداخته و سپس با تلفیق داده‌های حاصل از معماری و متون جغرافیای تاریخی سعی بر آن داریم که به پاسخی جامع از پرسش‌ها دست یابیم.

توصیف بنای بیابان گرگ

نقشه بنا، هشت‌ضلعی با هشت برج در هشت گوشه است. ورودی بنا در میان ضلع جنوب‌شرقی و در میان یک برج بوده که از بین رفته و بقای اندک از آن به‌جاست و جزئیات آن به درستی معلوم نیست. فضای داخلی شامل حجره‌هایی پیرامون حیاط مرکزی هشت‌ضلعی است. طول هر ضلع بیرونی بنا، بین ۱۷-۱۹ متر است. همگی برج‌ها، مدور با قطر تقریبی ۲/۶۰ متر است. ارتفاع باقی‌مانده از دیوار پیرامونی بنا، ۴-۶ متر و پهنای آن حدود ۱ متر است. در هر ضلع بنا، چهار حجره تعبیه شده است و هشت اتاق دوزنقه‌ای-شکل در هشت کنج بنا قرار دارد که احتمالاً به برج‌ها راه می‌یافته‌اند و بدین شکل، بنا در مجموع دارای چهل حجره است (شکل ۱۵). با این حال درباره برج‌های گوشه ضلع شمال-غرب و جنوب‌شرقی، ورودی در نمای بیرون برج نیز تعبیه شده است. پوشش تمامی فضاها فرو ریخته است. بیشترین ارتفاع باقی‌مانده از فضاهای داخلی، ۲/۵ متر است. ابعاد حجره‌ها تقریباً یکسان و ۳×۵ متر است (شکل ۱۷). هیچ‌گونه تزیینی در بنا دیده نمی‌شود.



شکل ۱۶- دورنمای ضلع شرقی رباط بیابان گرگ

مصالح ساخت بنا

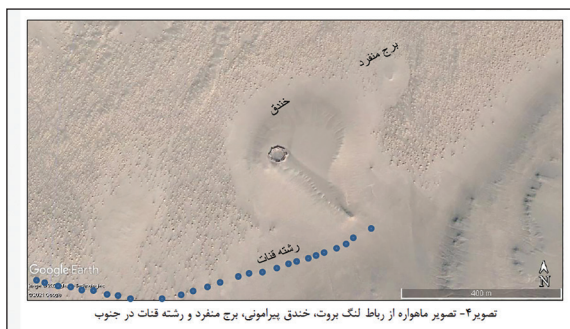
مصالح ساخت بنا عمدتاً خشت و قسمت‌هایی از آجر است. بخش بیرونی حصار پیرامونی و برج‌ها تا ارتفاع یک متر از آجر ساخته شده و ادامه حصارها از خشت است (شکل ۱۴). مصالح ساخت تمامی فضاهای داخلی از خشت است. آجرهای به‌کاررفته در پایه تنها سطح بیرونی را به صورت یک لایه پوشش می‌دهد (شکل ۱۷). فقط در برج سوی جنوبی ضلع شرقی، شاهد استفاده کامل از آجرهای سرخ‌فام هستیم (شکل ۱۸). دلیل استفاده از آجر در قرنیزها، حفاظت پایه‌های بنا در برابر طوفان‌های شن است. ابعاد آجرها عمدتاً ۲۸ سانتی‌متر با ضخامت ۵ سانتی‌متر است. اما اندک آجرهایی با ابعاد ۳۰ سانتی‌متر هم دیده می‌شود. ابعاد خشت‌ها عمدتاً ۳۵-۳۶ سانتی‌متر با ضخامت ۶-۷ سانتی‌متر است. مصالح ساخت آبنبار، آجرهایی قرمز رنگ با ابعاد ۲۸-۳۰ سانتی‌متر است.



شکل ۱۷- پایه‌های آجری بنا، بقایای ورودی بنا با نمایی از بقایای فضاهای خشتی داخل بنا



شکل ۱۸- برج آجری گوشه شرقی ضلع جنوبی رباط (کاروان‌سرا)



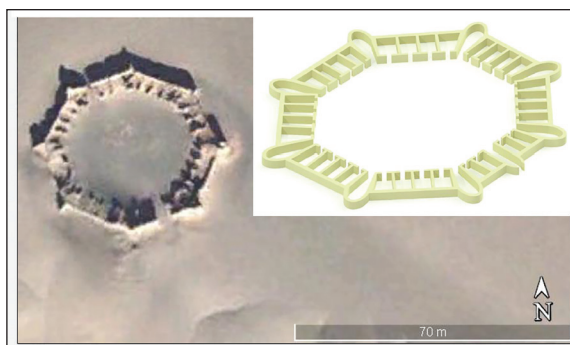
تصویر ۴- تصویر ماهواره از رباط لنگ بروت، خندق پیرامونی، برج منفرد و رشته قنات در جنوب

شکل ۱۳- تصویر ماهواره از رباط بیابان گرگ، خندق پیرامونی، برج منفرد و رشته قنات در جنوب

پیرامون بنا را احتمالاً خندقی فرامی‌گرفته که در فاصله ۵۰ تا ۲۰۰ متری از آن قرار دارد. پهنای خندق حدود ۹۰ متر است. پشته خاکی پل‌مانند برای عبور از خندق به سمت ورودی بنا در سوی جنوب ساخته‌اند (شکل ۱۳). حفر این خندق علاوه بر تأمین امنیت، احتمالاً تمهیدی (تله رسوب‌گیر) دیگر برای حفظ بنا از طوفان‌های شن بوده است. در فاصله ۲۰۰ متری جنوب بنا، بقایای آبنباری مستطیل شکل دیده می‌شود. ابعاد آبنبار، ۳×۸/۵ متر و پوشش آن طاق آهنگ است که فرو ریخته و تا خیز پوشیده از آوار است (شکل ۱۹). دو رشته قنات با فاصله‌ای اندک از جنوب آبنبار و از غرب به شرق امتداد می‌یابد که منابع تأمین آب کاروان‌سرا بوده‌اند.



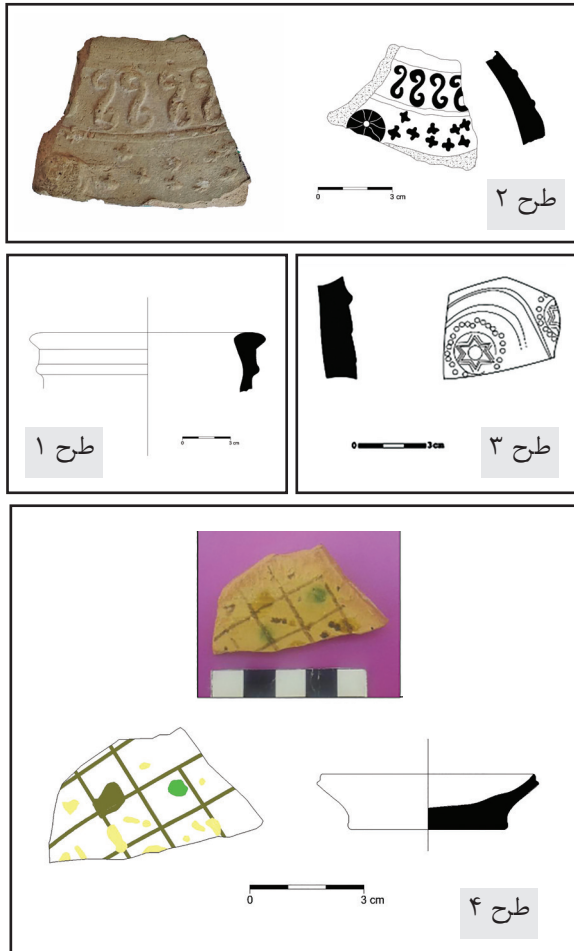
شکل ۱۴- نمای جنوبی رباط (کاروان‌سرا) بیابان گرگ



شکل ۱۵- تصویر ماهواره‌ای و نقشه رباط (کاروان‌سرای) بیابان گرگ



(طرح ۲) و قطعه‌ای با نقوش مرواریدی و ستاره (طرح ۳)، از دیگر قطعات یافت شده است. این نوع تزئین و موتیف در دوره سلجوقی رایج است و نمونه‌هایی از آن در محوطه‌های دارای آثار سلجوقی مانند محوطه‌های اسلامی نرماشیر و شهر کهن جیرفت یافت می‌شود. ری و نیشاپور از مراکز تولید این نوع سفال است (همان: ۲۱۳، شکل ۱؛ چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۴، شکل ۲۳).



شکل ۲۰- نمونه سفالینه‌های بنای بیابان گرگ

تحلیل یافته‌ها در شناخت کاربری و گاه‌نگاری بنای بیابان گرگ

نقشه این بنا علی‌رغم تفاوت‌هایی در جزئیات، در نگاه نخست یادآور کاروان‌سراها و رباط‌هایی با نقشه هشت‌ضلعی است که نمونه‌هایی همچون چهارآباد و رباط انجیره از دوره ایلخانی و کاروان‌سراهای امین‌آباد، مهیار، ده‌بید، خان‌خوره و بنارویه از دوره صفوی در دست است. رباط، نام آشنایی است که به برخی از بناهای کنار جاده‌ها و اغلب بیرون از شهرها اطلاق می‌شود و واژه‌ای کهن به معنی آسودن است. به رباط‌های جامع، کاروان‌سرا می‌گویند (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۲۳۲). اما گاهی اطلاق رباط به مجموعه‌هایی کامل و گسترده مانند رباط افراوه، درک متفاوتی از رباط دست می‌دهد و ما را بر آن می‌دارد تا رباط‌ها را نیز در بسیاری موارد، مجموعه‌ای کامل و جامع بدانیم (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۰۷).



شکل ۱۹- بقایای آب‌انبار مجاور رباط گرگ و موقعیت آن نسبت به رباط

یافته‌های سفالی

در سطح محوطه، قطعات انگشت‌شماری سفالینه پراکنده بود. با این حال قطعات یافت‌شده دارای ویژگی‌های لازم جهت گاه‌نگاری نسبی است (شکل ۲۰). قطعه لبه سبب بدون لعاب با خمیره نخودی و شاموت شن نرم است. لبه‌هایی با این فرم و خمیره از دوره سلجوقی به وفور در محوطه ارگ بم موجود است (طرح ۱). قطعه دیگر کف پایه‌دار مسطح با نقاشی زیر لعاب پاشیده است. بر این قطعه، مشبک‌هایی لوزی‌مانند با رنگ قهوه‌ای بر زمینه‌ای زردرنگ نقش بسته و لکه‌هایی سبز و قهوه‌ای و زرد بر سطح آن پاشیده شده‌اند (طرح ۴). سفالینه‌هایی با این فرم و لعاب از نیشاپور از قرن دهم میلادی (سوم هجری) در دست است (گروبه، ۱۳۸۴: ۶۳).

تکنیک لعاب لکه‌ای چندرنگ برای اولین بار در کارگاه‌های عباسی واقع در عراق به کار گرفته شده که عیناً در شوش و در غرب ایران نیز دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که همین تکنیک در قرن دهم و یازدهم میلادی در شرق ایران نیز رواج داشته؛ زیرا تعداد قابل ملاحظه‌ای از این نوع سفال در این مناطق نیز یافت شده است (گروبه، ۱۳۸۴: ۶۳). همچنین قطعه یافت‌شده به لحاظ نوع لعاب و نقش، قابل مقایسه با نمونه‌های به‌دست‌آمده از شهر کهن نرماشیر و بازه زمانی قرن ۵ و ۶ هجری است (امیرحاجیلو و سقایی، ۱۳۹۷: ۱۸، شکل ۴). قطعه‌ای بدنه بدون لعاب با خمیره نخودی، تزئینات قالبی و نقوش قلبی، گل و ستاره

کاروان‌سراها یا خان‌ها، بخشی از بناهای در مسیر جاده‌ها را تشکیل می‌دهند که ایجاد امکان اسکان و تأمین امنیت کاروانیان و گاه مبادلات کالا و غیره را برای مسافران داشت. در طراحی اینگونه بناها علاوه بر کلیات معماری هر دوره، شیوه معماری منطقه، مصالح ساختمانی و موقعیت جغرافیایی نیز نقشی مؤثر داشته است. ریشه‌یابی معنایی واژه کاروان‌سرا حاکی از آن است که این بناها علی‌رغم سادگی، بیش از یک عملکرد داشته‌اند. کاروان‌سرا از دو واژه کاربان به معنی افرادی است که از کسب‌وکار حمایت می‌کنند و به گروهی از تجار اطلاق می‌شود که برای در امان ماندن از راهزنان در مکانی جمع می‌شوند. سرای به معنی خانه و مکان آسودن است. به همین جهت جنبه دفاعی و قلعه‌مانند کاروان‌سرا در معنی آن نهفته است. این کاربری ایجاد می‌نمود که این نوع بناها اغلب یک ورودی و گاه تعدادی برج داشته باشند. کاروان‌سراهای حیاطدار مرکزی خود عمدتاً به کاروان‌سراهایی با نقشه چهارگوش، مدور و چندضلعی طبقه‌بندی می‌شدند که دارای حیاط مرکزی با حجره‌ها، اصطبل‌ها و انبار در پیرامون و باربندی در میان یا گوشه بود. حصار کاروان‌سرا در اغلب موارد دارای برج‌هایی در گوشه و در میان اضلاع است و در مواردی، ساده و بدون برج است. کاروان‌سراهای مدور و هشت‌ضلعی، بیشتر نقش نظامی و دفاعی داشته‌اند؛ زیرا دفاع از چنین ساختمان‌هایی به مراتب آسان‌تر از بناهای چهارگوش است. کاروان‌سراهای ساخته‌شده در دشت و در مسیر، اغلب یک طبقه و کاروان‌سراهای شهری، دو طبقه‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که بنای کاروان‌سراهای کهن‌تر از سادگی بیشتر برخوردار بوده و اتاق‌ها مستقیم به حیاط راه می‌یافتند. اما در ادوار بعدی، ایوان‌هایی به آنها افزوده شد (کلیس و کیانی، ۱۳۷۳: ۱۳).

البته تمام بناها با این ویژگی، چنان که گفته شد، کاروان‌سرا نامیده نمی‌شوند و بسیاری از آنها در شرحی از رباط‌ها آمده‌اند. اختلاف‌نظرهایی چند درباره عملکرد رباط‌ها و تفاوت آن با کاروان‌سراها مطرح است. دلایل گوناگونی این واژه‌ها بیشتر تفاوت در گویش‌های محلی به نظر می‌رسد. با این حال ابهامات عملکردی نیز در تفاوت این واژه‌ها نهفته است (همان: ۳۹۹ و ۳۹۷).

هرچند اطلاعات ما از معماری کاروان‌سراهای قرون نخستین اسلامی، اندک است، احتمالاً دنباله معماری کاروان‌سراها از دوره ساسانی و دارای ساختاری ساده است. منابع این عصر بارها از ایجاد کاروان‌سراها و رباط‌ها نام برده‌اند. با این حال هیلن براند معتقد است که یافتن مجموعه‌ای از بناها با کاربری کاروان‌سرا تا پیش از قرن پنجم و ششم هجری دشوار به نظر می‌رسد. از این زمان است که بنای کاروان‌سراها، موجودیت مستقل می‌یابد و از کیفیت بالایی در طراحی و ساخت برخوردار می‌شود. البته

زمینه‌ساز این امر، چند قرن گذشته است که می‌توان آن را دوره تجربیات دانست (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۰۶). دوره سلجوقی، عصر شکوفایی و درخشش هنر اسلامی به‌ویژه معماری شد. ایجاد راه‌های تجاری با امکانات رفاهی و تأمین امنیت کاروان‌ها در رأس امور قرار گرفت که گوشه‌هایی از آن، چنان که در مبحث جغرافیای تاریخی آمد، در منطقه مورد مطالعه این پژوهش و توسط ملک قاوود به منصف ظهور رسید.

بنای بیابان‌گرگ در مجموع با توجه به وجود تعداد زیادی حجره پیرامون حیاط مرکزی و واقع شدن در مسیر جاده‌ای تجاری در دشت، دارای کاربری کاروان‌سرا یا رباط به نظر می‌رسد. هرچند وجود اشتراک عمل‌هایی که میان کاروان‌سراها و رباط‌ها وجود دارد، ایجاد می‌نماید تا آنچه را درباره کاروان‌سراها دانسته، به رباط‌ها نیز تعمیم دهیم و در همین راستا بحث را ادامه دهیم، گاهی برخی تعاریف ارائه‌شده از کاربری رباط‌ها، ما را بر آن می‌دارد که نگاهی نیز از زبان این متون بر عملکرد رباط‌ها بیندازیم و تفاوت‌های اندکی را که ممکن است در عملکرد رباط‌ها نسبت به کاروان‌سراها وجود داشته باشد، بهتر دریابیم. به ویژه آنکه این خرددانه از رباطی با نام بعیده در مسیر فهرج- نصرت‌آباد یاد می‌کند که به لحاظ مسافت و منزلگاه می‌تواند منطبق بر این بنا باشد.

سهرودی در عوارف‌العالم می‌آورد: «اصل خانقاه و رباط آن است که از بهر دفع خصمان و دشمنان، اسبان با قوت و فربه نزد خویشتن دریندد، که اگر دشمن وقتی خواهد که ناگاه شیخون کند، زود بر پشت آن سوار توان شد از بهر دفع دشمن و صوفی و مجاهد و مرابط باشد که نفس خود در برابر دشمن دارد و به دفع او مشغول شود» (سهرودی، ۱۳۴۷: ۴۸). خانقاه که با تفاوت‌هایی تکیه، رباط و زاویه هم خوانده می‌شود، مکان تجمع درویشان و چله‌نشینی بود (زرین‌کوب، ۱۳۴۴: ۱۱۴). واژه رباط در قرن چهارم هجری به بناهای دژگونه گفته می‌شود که برای استمرار جهاد مورد استفاده قرار می‌گرفت (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۹۷). هیلن براند، رباط را مکانی برای رزمندگان دینی تلقی می‌کند که برای کوتاه‌مدت جهت تجدید قوا علیه کافران، گرد هم می‌آمدند. با توسعه مرزهای اسلام، اینگونه بناها جهت استفاده در زمان صلح، نیازمند تغییر نبود و بدین شکل دور از ذهن نیست که این واژه بازتاب‌دهنده نقش کاروان‌سرا نیز باشد. در حکایتی از شرح حال ابراهیم ادهم (۱۶۰هـ) که امیرزاده‌ای در بلخ بود، به کاربری رباط، از زبان فردی شتریان که به دنبال سرپناهی برای آرمیدن است، برمی‌خوریم که می‌گوید: «ای عجب مگر رباط جز این باشد که یکی بیاید و یکی برود» (زرین‌کوب، ۱۳۴۴: ۶۶). بدین گونه به نظر می‌رسد که رباط‌ها ضمن داشتن عملکردی مشابه کاروان‌سراها، به لحاظ معنوی و داشتن نقش دفاعی مورد توجه بیشتری بوده‌اند. کاوشی در متون

جغرافیای تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از بناهایی که از آنها با عنوان رباط یاد شده، در مسیر راه‌های کاروانی قرار داشته و تعدادی قابل توجهی از منزلگاه‌ها با عنوان رباط خوانده شده‌اند. به طور مثال در ادامه مسیر مورد مطالعه می‌بینیم که از هفت منزل بین نصرت‌آباد (اسپی) به سیستان، چهار منزل با عنوان رباط ضبط شده‌اند (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۱۰۸).

این اشتراک عملکردها ایجاب می‌نماید تا در کنار تعاریف انحصاری، در نهایت نگاهی کلی به اینگونه بناها داشته باشیم. تعداد زیادی از این بناها در قرون اولیه اسلامی بنیان شد و فرمانروایان ایرانی، نقشی بسزا در ایجاد آنها داشتند. سه بنای محوطه تاریخی دارزین، از جمله رباط‌های موجود در ناحیه مورد مطالعه است که در مسیر دارزین و بم به سیستان و در امتداد مسیر مورد مطالعه به سمت غرب قرار دارند (شکل ۹). شکوهی این بناها را با عنوان قلاع دارزین آورده و تاریخی ساسانی-قرون اولیه اسلامی برای آنها قائل است (شکوهی، ۱۳۷۵: ۶۸). به نظر می‌رسد که بناهای دارزین، مأمن و مسکن مردم و حیوانات بوده باشد (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۹۹).

هرچند در وهله نخست، تجارت و تولید ثروت، انگیزه مهم سفر در دوره باستان به نظر می‌رسد، عوامل مهم دیگری را نیز باید بدان افزود. رفت‌وآمدهای زیارتی از جمله این موارد است که زیارت خانه خدا در رأس آن قرار داشت. چه بسا کاروان‌هایی وسیع که در این راستا به راه افتاده و رنج صدها فرسنگ سفر را به جان می‌خریدند. در شرح احوال ملک‌شاه سلجوق (متوفی ۴۸۵هـ.ق) آمده است: «او ساختمان‌های بسیار به پا داشت. رودها حفر و دیوارها مستحکم کرد و در بیابان، رباط‌ها و پل‌ها بنا کرد و ساختمان‌هایی زیبا که توقف‌گاه‌هایی است در مسیر مکه و برای آن «همان». تحصیل علم و معرفت از اهداف دیگر سفر بود. محصلان و طلاب اغلب مسیرهای طولانی را می‌پیمودند تا از اهل معرفت درس بیاموزند و به بسط آن در دیگر نقاط بپردازند. چنان‌که پاره‌ای از عملکرد رباط‌ها، سکنی دادن به این طالبان علم و معرفت به نظر می‌رسد. در این میان، جهانگردان و جغرافیایی‌نویسانی علاقه‌مند با هدف شناخت دیگر سرزمین‌ها، به راه افتاده و مسالک و ممالک‌ها، صورالاقالیم‌ها و البلدان‌ها خلق نمودند. بنابراین دلیل فراوانی اینگونه بناها، نیاز جامعه، تولید ثروت، نگرش اعتقادی و بیان قدرتی نمادین بود.

بنای بیابان گرگ با نقشه هشت‌ضلعی، هشت برج در گوشه‌ها و چهل حجره پیرامون فضای مرکزی دارای کاربری رباط یا به بیان دیگر کاروان‌سرا به نظر می‌رسد. کاروان‌سرای بیابان گرگ از لحاظ نقشه کلی، چیرگی معماران آن را در اجرا نشان می‌دهد و به لحاظ سادگی در اجزاء، پیرو دوره قبل از خود است. در بنای بیابان گرگ، ایوان به عنوان فضایی مجزا، آنچنان که در معماری کاروان‌سراهای قرن پنجم و ششم به بعد دیده می‌شود، وجود

ندارد و فضاها، بی‌واسطه با حیاط مرکزی ارتباط می‌یابند. از این لحاظ یادآور کاروان‌سراهایی همچون کنارسیاه و دروازه گچ از دوره ساسانی است. ساخت دروازه با برج‌هایی در دو سوی آن، مانند آنچه در بناهای دارزین دیده می‌شود، از شیوه‌های متداول در معماری ساسانی است. بعدها تغییراتی در دروازه‌ها داده شد. بدین‌گونه که ورودی درون حجره‌ای مربع با گنبدی روی آن و دو نیم‌برج مدور در دو سوی آن ساخته شد که نمونه‌ای از آن در بناهایی چون خربت المفجر و اتشان از قرون اولیه اسلامی دیده می‌شود (هیلن براند، ۱۳۷۳: نقشه ۷، ۱۴ و ۷، ۶۲).

در بنای بیابان گرگ نیز ورودی در برجی تعبیه شده و دو برج مدور در دو سو و گوشه‌های ضلع جنوبی دیده می‌شود. همچنین این بنا به لحاظ قدمت از کاروان‌سراهای شناخته‌شده با پلان مشابه، قدیمی‌تر به نظر می‌رسد. آجرهایی مشابه آنچه در بنای بیابان گرگ به کار رفته، در ساخت میل نادری در ۳۰ کیلومتر غرب این بنا مربوط به قرن چهارم و پنجم هجری دیده می‌شود. خشت‌هایی با ابعاد ۲۷-۲۸ سانتی‌متر در ساخت رباط‌های دارزین نیز دیده می‌شود که از خشت‌های به‌کاررفته در بناهای اسلامی بزرگ‌تر و معمولاً در دوره ساسانی و قرون اول و دوم هجری متداول بوده‌اند (شکوهی، ۱۳۷۵: ۶۸). همچنین در ساخت برخی آثار ساسانی-اسلامی فهرج مانند قلعه ثانی‌آباد، خشت‌هایی با ابعاد ۲۸ و ۳۰ سانتی‌متر به کار رفته است. در قلعه سرنگ، خشت‌هایی با ابعاد ۲۸ سانتی‌متر دیده می‌شود (فاضل، ۱۳۹۹: ۱۵۰ و ۲۰۴). خشت‌هایی با ابعاد ۳۵-۳۶ سانتی‌متر اغلب در بناهای پیش از اسلامی کاربرد داشته که استفاده از آن را در این بنا می‌توان دلیلی بر رواج سنت‌های گذشته در معماری بومی دانست که ویژگی‌هایی از معماری پیشین را در خود حفظ نموده بود.

چنان‌که آمد، فهرج از شهرک‌های آباد نرماشیر بود. روایتی از مقدسی به‌جاست که تصویری روشن از رونق تجاری نرماشیر و شهرک‌های آن و به تبع مسیر و منزلگاه‌ها از جمله بنای بیابان گرگ در این زمان به دست می‌دهد. وی می‌نویسد: «همه‌ساله یکصد هزار شتر به اینجا می‌آید و فرمانروا به هر ساربان، یک دینار می‌بخشد. بازارش پرسود است. گویند هنگامی که عضالدوله دیلمی به سفر در نرماشیر بود، از دیدن کاروانیان حیرت زده شد و گفت: بگذرید از شهری که این همه مردم به ناآگاه بدان درآیند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۹۳). کاروان‌هایی از سیستان و سند و مکران و خراسان در اینجا گرد هم می‌آمدند. نرماشیر در قرن چهارم، شهری مهم، میانه راه فهرج به بم بوده که فهرج هنوز باقی است. بازرگانی از خراسان در آنجا مقیم بوده و با عمان تجارت داشتند. همچنین در راه حاجیان سیستان و از این‌رو بازاری برای کالاهای گران‌قیمت هند بود (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۳۵). آبادانی این راه سبب شد تا در زمان طغرل‌شاه سلجوقی، پادشاه

کرمان، عشور ابریشم مکران به سی هزار دینار برسد و تمغای بندر طیس، پانزده هزار دینار اجاره رفت (وزیری، ۱۳۷۵: ۹۶).

بنابراین نقش منزلگاه‌ها و بناهای در ارتباط با راه، در رونق اقتصادی محرز به نظر می‌رسد. نقش دفاعی این بنا در تأمین امنیت مسافران و کاروانیان را در وهله نخست در نقشه هشت‌ضلعی آن با هشت برج می‌توان یافت که برج منفرد دیگر در کنار آن به تقویت نقش تدافعی بنا می‌انجامد. اما چه خطراتی در این بیابان بود که ساخت چنین بنایی را ایجاب می‌نمود؟ در این باره نخست باید به موقعیت خاص جغرافیایی این منطقه اشاره نمود. این مکان، پل ارتباطی شرق به نواحی جنوب و جنوب‌غرب فلات ایران بوده و در مسیر کشورگشایی‌ها قرار داشت. دشتی که بنای بیابان گرگ بر آن قرار دارد، در دهانه دربند یا دروازه سیستان است که ارتباط سیستان و بلوچستان با کرمان را میسر می‌ساخت. دلیل این موضوع، وضعیت ناهمواری‌های شرق کشور است که به ناچار ارتباط سیستان با کرمان و بلوچستان را از این طریق ممکن می‌ساخت. این ویژگی ایجاب می‌نمود تا بناهای ساخته شده در مسیر از استحکام و تدابیر امنیتی کافی برای حفظ جان و مال افراد و کاروانیان برخوردار باشد. کاوشی در متون تاریخی و جغرافیای تاریخی، فهرستی طولی از وقایع تاریخی و حمله‌هایی به دست می‌دهد که از این منطقه جغرافیایی و از این مسیر صورت گرفته است. نمونه‌هایی احتمالی و مطمئن از آن، سفر فرضی کوروش به سند، حمله وه یزداته به حوزه رود کابل، حمله اردشیر به سگریان و حتی حمله اعراب و فتح سیستان و کابل است.

موضوع دوم، وجود اقوامی موسوم به قفص است (۵). متون جغرافیای تاریخی قرون اولیه و میانه اسلامی بارها از اقوامی به نام قفص نام می‌برد که خطری در مسیر کاروانیان در راه بیابان بودند. این اقوام در نواحی شرقی و جنوبی کرمان و در کوه‌های آن سکنی داشتند و حوزه نفوذ آنها در این زمان، منطقه‌ای وسیع از سیستان و مکران تا خراسان و ری بود. ابن حوقل درباره قفص‌ها می‌نویسد: «موجب ناامنی همه راه‌های کرمان و راه‌های میانه کرمان و بیابان سیستان و فارس می‌شوند. این قبایل پیاده و بدون چهارپا هستند» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۵-۷۸). این قوم در حواشی بیابان‌های مرکزی، تکیه‌گاه‌ها و حتی شهرهایی را به صورت پایگاه داشته‌اند و در مجاورت این پایگاه‌ها و نزدیک چشمه‌سارها زندگی بیابانی داشته‌اند (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۰۰).

مؤلف نامعلوم تاریخ سیستان در ذکر وقایع قرون اولیه اسلامی از رخدادی در بیابان‌های کرمان و شبیخون کفچان بر سر عده‌ای بازرگان و غارت اموال آنها خبر می‌دهد (تاریخ سیستان، ۱۳۹۱: ۴۵). در سال ۳۲۴ هـ. ق همزمان با آل بویه، رئیس قفص و بلوص، شخصی به نام علی بن زنجی، معروف به علی کلویه بود. ابن خلکان می‌نویسد: «معزالدوله در جنگ با اکراد (کفچ‌ها) در

کرمان، دست خود را از دست داد» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۷: ۱۶۲). اصطخری می‌نویسد: «از سلطان نیز ایشان را مشاخره معین است که دست ایشان از عدوان و تعدی بر قوایل کوتاه می‌باشد. با این همه تمامت کرمان را تا حد بیابان سجستان و فارس قطع می‌کنند» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۴).

از دلایل نفوذ دیلمیان در منطقه را می‌توان سیاست حکام آل بویه نسبت به اقوام کوچ و بلوچ و گروگان گرفتن سرکرده‌های آنان دانست. این امر موجب گردید تا آنان پس از این تاریخ به کاروان‌های منصوب به امیر دیلمی دستبرد زنند. همچنین از دلایل رونق تجاری در زمان ملک قاوورد، مهار قوم کوفج بود (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۰۱). بنابراین بنای بیابان گرگ، ضمن ایفای نقش خود در اسکان مسافران و مشتاقان، بسان قلعه‌ای، تأمین امنیت جانی و اموال آنها را نیز برعهده داشت. چنان‌که گذشت، مسیر حاجیان سیستان از اینجا می‌گذشت. بنابراین جایگاه معنوی بنا نیز می‌تواند حداقل در مسکن دادن به راهیان کعبه باشد.

نتیجه‌گیری

انتهای شرقی کرمان و منظر فرهنگی بزم در حاشیه جنوبی بیابان لوت و همجوار با سیستان و بلوچستان و خراسان، مکانی مهم در ارتباط نواحی جنوب و جنوب‌غرب ایران با نواحی شرقی فلات ایران است. شاهراه باستانی فارس و کرمان به سیستان از حاشیه لوت جنوبی عبور می‌کند. فهرج و اسپبی یا سبیج با نام کنونی نصرت‌آباد، دو نقطه بر این خط سیر هستند که منابع جغرافیای تاریخی قرون اولیه و میانه اسلامی از آنها در ردیف شهرهای آبادان حاشیه بیابان یاد کرده و خط سیر مستقیم فهرج به اسپبی را در ذکر مسیرهای فارس و کرمان به سیستان آورده‌اند. همچنین این منابع به وجود راه‌هایی دیگر اشاره داشته‌اند که از فهرج و سنیج به خراسان و سند و بلوچستان امتداد می‌یابند.

از متون جغرافیای تاریخی که بگذریم، شواهد باستان‌شناختی بر این خط‌سیر شامل محوطه وسیع شاه‌مردان و کهور منزل، ده قلعه و کاروان‌سرا، میل نادری و بقایای جاده سنگفرش باستانی از دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی، راهنمای ما در شناسایی خط-سیر و حاکی از اهمیت آن بود. این مسیر بر اساس اسناد میدانی و مکتوب در دوره آل بویه و سلجوقی (قرن ۴-۶ هجری) و به‌ویژه در دوره ملک قاوورد به اوج رونق خود رسید. منازل راه، نخست شامل محوطه کهور منزل به نظر می‌رسد. منزل دوم، مکان میل نادر در یک‌منزلی (پنج فرسنگ) فهرجاست. منزل سوم، کاروان‌سرا یا رباط بیابان گرگ در یک‌منزلی (شش فرسنگ) میل نادر است که شرح آن گذشت. منزل چهارم، مجموعه کاروان‌سرا و قلعه آبادی گرگ در یک‌منزلی (پنج فرسنگ) از کاروان‌سرای گرگ است. منزل پنجم و آخر،

نصرت‌آباد در هفت‌فرسنگی آبادی گرگ است. بنای بیابان گرگ در میانه مسیر و منزل سوم از فهرج به اسپه قرار دارد. این بنا با مساحت بیش از ۲۲۰۰ متر مربع و چهل حجره پیرامون حیاط مرکزی دارای کاربری رباط یا کاروان‌سراست.

با وجود چیرگی معماران بنا در اجرای نقشه هشت‌ضلعی آن، سادگی اجزا و ارتباط مستقیم حجره‌ها با حیاط مرکزی و نبود ایوان به عنوان واحدی مستقل که در معماری قرن پنجم و ششم به تکامل می‌رسد، مصالح ساخت رباط که در ساخت بناهایی از اواخر دوره ساسانی تا عصر سلجوقی کاربرد داشته و گاه‌نگاری تطبیقی سفالینه‌های به دست آمده، ما را بر آن می‌دارد که تاریخ ساخت بنا را بازه زمانی آغاز اسلام تا پایان عصر سلجوقی بدانیم. شواهدی در بنا و مواد فرهنگی که حاکی از تداوم استفاده بنا پس از این تاریخ باشد، موجود نیست. نقشه هشت‌ضلعی با هشت برج، برجی منفرد و خندقی در پیرامون، متضمن عملکرد دفاعی بناست. چهل حجره، مأمنی برای کاروانیان و سرپناهی برای مسافران و در راه ماندگان بود. نقش بنا در بحث اقتصاد و تجارت را می‌توان در مکان‌یابی آن در حاشیه جاده مهم تجاری عنوان نمود. مسیر حاجیان سیستان از اینجا بود که بنای بیابان گرگ می‌توانست جایگاه معنوی رباط را حداقل با مسکن دادن به راهیان خانه خدا و سالکان معرفت ایفا کند.

پی‌نوشت

۱. از مهم‌ترین منابع ما در بازسازی مسیریهای اواخر دوره ساسانی متون جغرافیای تاریخی قرون اولیه اسلامی است در این متون تصویری از راه‌ها و خط‌سیرهای اواخر ساسانی رخ می‌نماید. زمانی که بلاذری (۵۲۷۹ه) به فتح کابل در سال ۳۰ هجری اشاره می‌کند و از مسیر لشکرکشی سپاه اسلام و عبور آنها از مناطق بم و فهرج به سیستان و کابل سخن می‌راند، هنگامی که ابن‌خرداددبه، اصطخری، ابن‌حوقل، مقدسی و دیگر جغرافیایی‌نویسان تاریخی قرون اولیه اسلامی، در توصیف خط‌سیر فارس به کرمان و سیستان از نقاط بم و فهرج و سنج بر این خط سیر یاد می‌کنند، بدون شک حوزه جغرافیایی عبور خط‌سیر و بازتابی از راه ارتباطی این نقاط را از حداقل از اواخر دوره ساسانی نشان می‌دهند. از دیگر دلایل حیات این خط سیر در دوره ساسانی کتیبه شاپور سکنشاهان است که به مسیر فارس به سیستان اشاره می‌کند. مطالعات میدانی و شناسایی محوطه‌هایی وسیع و آثار قلاع و کاروانسراهایی حداقل از اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی در راستای تأیید منابع؛ عبور مسیر از حوزه مورد مطالعه و حیات آن در بازه زمانی اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی است که در متن مقاله به ذکر همگی این موارد؛ تلفیق متون با نتایج حاصل از مطالعات میدانی و در نتیجه اثبات حیات و رونق این خط‌سیر و معرفی و

تحلیل کاروانسرای (رباط) بیابان گرگ، یکی از مهم‌ترین بناهای مسیر، در بازه زمانی اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی پرداختیم.

۲. ناحیه منظر فرهنگی بم، سرزمین‌های شرقی استان کرمان و شامل شهرستان‌های بم، نرماشیر، فهرج و ریگان است. این مناطق تا پیش از تقسیمات کشوری نیمه دهه هشتاد برای قرن‌ها از نواحی بم بوده و در متون قرون میانه و متأخر اسلامی تا پایان دوره قاجار از مجموع آنها با عنوان دارالاربعه بم یاد شده است و مراد از بم در این متون، تمامی این مناطق از جمله فهرج است (طرح جامع مدیریتی بم و منظر فرهنگی آن، ۱۳۸۶: ۶۲).
۳. رباط سلجوقی؛ نگین درخشان جاده ادویه فهرج، خیرگزاری صدای میراث، ۲۰۱۹/۱۲/۱۴، لیلا فاضل.

۴. در حاشیه جاده آسفالت‌کنونی، لوح سنگی از دوران پهلوی اول قرار دارد که به تاریخ ساخت جاده در ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ اشاره می‌کند. این لوح هرچند یک سند ملی ارزشمند است، مربوط به ساخت جاده شوسه بم- کهورک بوده، به جاده سنگفرش مربوط نمی‌شود.

۵. این اقوام با نام‌های قفص، کوچ، کوفج و کوفجان در متون تاریخی و جغرافیای تاریخی ثبت شده‌اند.

منابع

۱. ابن‌حوقل (۱۳۶۶) **ایران در صور الارض (سفرنامه ابن حوقل)**، به کوشش جعفر شعرا، تهران، امیرکبیر.
۲. ابن‌خردادبه (۱۳۷۱) **مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند،** تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل و موسسه فرهنگی حنفا.
۳. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۷۳) **مسالک و ممالک**، ترجمه محمدبن عبدالله تستری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۴. اسعدیور بهزادی، زهرا (۱۳۷۲) **کیمیای ناسوت**، تهران، مؤلف.
۵. افشار سیستانی (۱۳۹۰) **سیستان و بلوچستان‌نامه**، تهران، کتابدار.
۶. اکبرزاده، داریوش (۱۳۹۹) **«ز کابل به ناگه به کنده رسید (پاداشتی بر ترکیب کابل / زرتک-چین / چینستان بر پایه کوش‌نامه)»**، مطالعات ایرانی، سال نوزدهم، شماره ۳۸، صص ۲۲-۷.
۷. امیرحاجیلو، سعید و سارا سقایی (۱۳۹۷) **«گسترش و تنوع گونه‌های سفال اسلامی در سکونت-گاه‌های دشت نرماشیر کرمان»**، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۱۹، صص ۲۰۷-۲۲۶.
۸. باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۷) **کوچه هفت پیچ**، تهران، نگاه.
۹. ----- (۱۳۷۱) **اژدهای هفت‌سر**، تهران، درنا.
۱۰. بلاذری، احمدبن‌یحیی (۱۳۳۷) **فتوح البلدان**، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره.
۱۱. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۲) **آشنایی با معماری اسلامی ایران؛ ساختمان‌های درون‌شهری و برون‌شهری**، به کوشش

۳۰. کریمیان، حسن و دیگران (۱۳۹۸) **سیر تحولات فضایی شهر سیرجان در دوران اسلامی با اتکا به شواهد باستان‌شناختی و منابع مکتوب تاریخی**، مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۵۳-۶۳.
۳۱. کلایس، ولفرام و محمدیوسف کیانی (۱۳۷۳) **کاروان‌سراهای ایران**، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳۲. گروه، ارنست.ج. (۱۳۸۴) **سفال اسلامی**، ترجمه فرناز حائری، تهران، کارنگ.
۳۳. لسترنج، گای (۱۳۳۷) **سرزمین‌های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۴. محمودی، علی (۱۳۶۲) **جغرافیای حمل و نقل**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳۵. مستوفی، احمد (۱۳۴۸) **گزارش‌های جغرافیایی لوت زنگی احمد**، تهران، مؤسسه مطالعات جغرافیایی دانشگاه تهران.
۳۶. ----- (۱۳۵۱) **مطالعات جغرافیایی دشت لوت**، تهران، مؤسسه مطالعات جغرافیایی دانشگاه تهران.
۳۷. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۱) **جغرافیای تاریخی ایران باستان**، تهران، دنیای کتاب.
۳۸. مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱) **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، ترجمه علی‌نقی منزوی، جلد دوم، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۳۹. ملک شاه حسین سیستانی (۱۳۴۴) **احیاء الملوک**، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۰. نوربخش، حمید و دیگران (۱۳۳۵) **ارگ بزم همراه با تاریخچه مختصر شهرنشینی در ایران**، تهران، طهوری.
۴۱. وزیری، احمدعلی خان (۱۳۵۲) **جغرافیای کرمان**، ابن سینا.
۴۲. ----- (۱۳۷۵) **تاریخ کرمان**، تصحیح و تحشیة محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علمی.
۴۳. هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷) **معماری اسلامی**، ترجمه ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۴۴. یارشاطر، احسان (۱۳۸۰) **تاریخ ایران**، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت دوم، تهران، امیرکبیر.
- غلامحسین معماریان، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
۱۲. پیرنیا، محمدکریم و کرمان‌الله افسر (۱۳۷۰) **راه و رباط**، چاپ دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی و انتشارات آرمن.
۱۳. **تاریخ سیستان** (۱۳۹۱) به کوشش جعفر مدرس صادقی، تهران، مرکز.
۱۴. **تاریخ شاهی قراختایان کرمان** (۲۵۳۵ شاهنشاهی) به تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۱۵. توحیدی، فائق (۱۳۸۲) **فن و هنر سفالگری**، تهران، سمت.
۱۶. توین‌بی، آرنولد (۱۳۷۸) **جغرافیای اداری هخامنشیان**، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۱۷. چوبک، حمیده (۱۳۹۱) **«سفالینه‌های دوره اسلامی - شهر کهن جیرفت»**، مطالعات باستان‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۸۳-۱۱۲.
۱۸. خبیصی، میرزا محمدابراهیم (۱۳۸۶) **سلجوقیان و غز در کرمان**، تصحیح و مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علم.
۱۹. رزم‌آرا، حسینعلی (۱۳۳۲) **فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها) - استان کرمان و مکران**، جلد هشتم، مشهد، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش / بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۰. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۴) **ارزش میراث صوفیه**، طهران، آریا.
۲۱. سایکس، سرپرسی (۱۳۶۵) **سفرنامه ژنرال سرپرستی سایکس یا ده‌هزار میل در ایران**، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، لوحه.
۲۲. سه‌روردی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۴۷) **عوارف المعارف**، ترجمه ابومنصور عبدالمومن اصفهانی، به کوشش قاسم انصاری، تهران، علمی فرهنگی.
۲۳. شریفی، مهناز (۱۳۹۸) **«نویافته‌های بقایای معماری اواخر دوران ساسانی و اوایل اسلامی در حوضه رودخانه سیمره (زاگرس مرکزی)»**، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۵۹-۸۲.
۲۴. شکوهی، مهرداد (۱۳۷۵) **«بناهای تاریخی اوایل اسلام در نواحی دازین کرمان»**، ترجمه فرزاد کیانی، مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۶، صص ۶۴-۶۹.
۲۵. **طرح جامع مدیریتی اثر میراث جهانی بزم و منظر فرهنگی آن (۲۰۱۷-۲۰۰۸)** (۱۳۸۶) تهران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دفتر منطقه‌ای یونسکو.
۲۶. فاضل، لیلا (۱۳۹۴) **مطالعات باستان‌شناسی منظر فرهنگی بزم بررسی مقدماتی قلاع موجود در منظر و محور فرهنگی بزم (۱۳۹۱-۱۳۹۴)**، زیر نظر دکتر شهریار عدل، بزم، مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی بزم و منظر فرهنگی آن (منتشر نشده).
۲۷. ----- (۱۳۹۹) **مطالعات باستان‌شناسی ناحیه منظر فرهنگی بزم، شهرستان‌های فهرج و ریگان استان کرمان**، به همراه معرفی آثار نویافته شهرستان‌های بزم و نرماشیر، زیر نظر شهریار عدل، شیراز، کتیبه نوین.
۲۸. فاضل، لیلا و دیگران (۱۳۹۶) **«خط سیرهای باستانی و سیمای تاریخی بخش نگین کویر فهرج (منظر فرهنگی بزم)»**، مطالعات ایران‌شناسی، سال سوم، شماره پنجم، بنیاد ایران‌شناسی.
۲۹. فرمانفرما، عبدالحسین میرزا (۱۳۸۳) **مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان**، تهران، اساطیر.

۴۵. Kleiss, V., (1997) "Befestigungen in der umgebung von Bam", deutschesArchaologisches Institute – Eurasien- Abteilung, Aussenstelle Tehran, ArchaologischesMitteilungen , Iran and Turan, Band 29

۴۶. Shokoohy, Mehrdad, (1980) " Monuments of the Early Caliphate at Dārzīn in the Kirmān Region", Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, No. 1 , pp. 3-20.